

از : دکتر جعفری لنگرودی
قاضی دادگستری

(۶)

اصول آئین دادرسی مدنی

در اجراء احکام و قرارها



۱۷-۱) اصل اعمال قواعد عمومی ضمان (مسئولیت) در اجراء احکام-

ممکن است محکوم به عین معین باشد و دائره اجراء اعلام نماید که اجراء حکم نسبت بعین میسر نیست در این صورت دادرس دادگاه صلاحیتدار (برای اجراء حکم مذکور) میتواند دستور بدهد که : اگر عین محکوم به مثلی است و در اموال محکوم علیه مثل آن وجود دارد حکم را نسبت به مثل محکوم به اجراء نمایند حتی اگر مثل در اموال محکوم علیه نباشد ولی در خارج «مثل» وجود داشته باشد میتواند دستور دهد که با فروش مقداری از مال محکوم علیه ، مثل را تهیه نموده و تسلیم محکوم له نمایند (مستفاد از جمع مواد ۳۰۸-۳۱۱-۳۱۲ قانون مدنی). در این مورد حکم شماره ۳۹۸۰ مورخ ۱۴-۱۰-۱۳۲۵ دادگاه عالی انتظامی مقرر میدارد : «در موردی که محکوم به عین بوده و از طرف اجراء اعلام شده است که اجراء عین غیر ممکن است و حاکم دادگاه دستور داده که در صورتی که دسترسی بعین و مثل آن نباشد قیمت مذکور در حکم را دریافت دارند ایرادی بر حاکم دادگاه وارد نیست ، زیرا با عدم امکان تسلیم عین و تعذر مثل ، اجراء چنین حکم ناگزیر بپرداخت تیمتی بوده که تعیین گردیده و مورد اعتراض طرف واقع نگردیده و فقط میتوان گفت که چون قیمت حال تقدیم عرض حال با قیمت روز پرداخت ، متفاوت بوده می بایست موقع تأدیه را تعیین نموده باشد و این ایراد هم بر نظر قضائیه است .»

دزد دزد!

مردی بود بهر حمام که رفتی چون بیرون آمدی حمامی را بگرفتی که : تو رختی از آن من دزدیده‌ای . بجائی رسیدی که او را در هیچ حمامی نمی‌گذاشتند . روزی در حمامی رفت . چند کس را گواه گرفت که هیچ شعبده نکند و هر ادعائی کند دروغ باشد . چون در حمام رفت حمامی تمامت جامه های او را بنخانه خود فرستاد . مرد از حمام بیرون آمد و دعوی نتوانست کرد . برهنه براه افتاد و همی گفت ای مسلمانان ! من دعوی نمیتوانم کرد . اما از این حمامی بپرسید که من مسکین چنین بحمام او آمدم ؟!

* این حمامی میدانسته است که بموجب ماده ۲۲۶ قانون مجازات عمومی ایران ، اگر سرقت در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی است یا در توابع آن یا در محل های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیره واقع شده باشد ، مجازات سارق از ششماه تا سه سال حبس است ولی اگر سرقت عادی معمولی و در غیر از اماکن نامبرده واقع شود شرایط خاصی نداشته باشد بر طبق ماده ۲۲۷ همان قانون ، مجازات سارق کمتر است و فقط از دو ماه تا دو سال حبس تأدیبی خواهد بود . و شاید هم تفاوت این دو ماده و سایر مواد مربوط به سرقت را بخوبی میدانسته ولی همچون بسیاری از «دزدان عیار» تصمیم بر آن داشته است که در همه جا و همه وقت دزدی کند !

بخت برگردد از آن قوم که کس نتواند

آنچه میداند و می بیند ، تقریر کند

* عین استدلال بالا در مورد بیکه محکوم به عین معین غیر منقول و یادین باشد نیز ساری و جاری است .

(به اصل ذیل که دامنه آن وسیع تر از اصل بالا است مراجعه شود) .

۲۰- (۴) اصل سهولت استیفاء - مطابق ماده ۵۵ قانون تسریع محاکمات پس از ابلاغ ورقه

اجرائیه با قیامتگاه محکوم علیه او باید ظرف ده روز مفاد حکم را اجراء نماید یا با محکوم له قراری برای اجراء حکم بدهد و رئیس اجراء را از آن آگاه سازد و یا مالی از خود نشان بدهد که با فروش آن، مفاد حکم را بتوان بموقع اجراء گذاشت . حال اگر محکوم علیه چند مال منقول دارد که اجراء حکم نسبت بپاره ای از آنها آسانتر است و محکوم له بهتر و زودتر میتواند بحق خود برسد اما محکوم علیه آن مال را که استیفاء حق محکوم له نسبت بآن آسانتر است ارائه نمی کند. آیا در چنین موردی اگر محکوم له مالی را که وصول حق وی نسبت بآن آسانتر است با اجراء معرفی کند اجراء چه تکلیف دارد ؟

بدیهی است که اموال از نظر سهولت فروش ممکن است با هم تفاوت داشته باشند و چون مراتب سهولت بستگی قهری دارد یادیرتر یا زودتر رسیدن محکوم له بحق خود و قانون به محکوم علیه این اختیار را نداده است که در ایصال حق محکوم له باو تأخیر روا دارد بنابراین متعلق حق محکوم له اموالی است که استیفاء حق از آنها آسانتر باشد و زودتر بحق خود برسد . در تعقیب همین نظر بخشنامه شماره ۳۲۹۱۴ مورخ ۱۱-۹-۱۳۰۹ مقرر می دارد: اگر اموال مختلفی باشد که متعلق به محکوم علیه است (اعم از اینکه محکوم علیه ارائه بدهد یا محکوم له) توقیف و فروش اموالی که سهولت میتوان فروخت بر توقیف و فروش سایر اموال مقدم خواهد بود . اگر محکوم علیه مالی ارائه دهد که سهولت نمیتوان فروخت، از توقیف وقتی مصون خواهد بود که مال دیگری جز آنچه که ارائه میدهد برای او یافت نشود

۱۸- (۱۲) اصل «یسار» محکوم علیه - یسار حالتی است بمعکس حالت اعسار چنانکه

در آیه شریفه آمده است: «ان مع العسر يسرا» پس یسار بمعنی تمکن و توانائی بر پرداخت دین است. از ماده ۶۰ قانون تسریع و جمیع مقررات راجع بهمۀ اقسام اعسار چنین معلوم است که مقنن فرض «یسار» برای افراد جامعه می کند تا خلاف آن اثبات شود. این فرض ناشی از غلبه است زیرا غالب افراد يك جامعه بقدر توانائی خود مدیون می شوند و تعداد سفهاء و نادانانی که بارها بیش از ظرفیت خود بر میدارند یعنی بیش از تمکن خود دین پیدا می کنند نسبت بسایرین کم هستند.

* بنابراین، اینکه ماده ۷۴۳ قانون اصول محاکمات قدیم می گوید،

« هرگاه مدیون قادر بر ادای دین خود باشد ولی امتناع از ادای آن نماید ... »

قسمت اول این ماده حشو است زیرا با توجه باصل مسلم بالا فرض قانون این است که مدیون و محکوم علیه قادر بر ادای دین خود می باشد.

نتیجه - برای صدق امتناع از ادای دین کافی است که محکوم علیه در موقع قانونی (ماده

۵۶ - ۶۰ قانون تسریع) عرض حال اعسار نداشته یا اگر داد در موعد مقرر در ماده ۵۹ قانون تسریع، محاکمه را تعقیب نکند یا اینکه حکم بدوی بهرد اعسار او صادر گردد، و در همه این احوال نه اقدام بپرداخت دین کند و نه دسترسی به مال او برای اجراء حکم باشد (ماده ۶۲۲ - ۷۴۳ قانون اصول محاکمات قدیم و بخشنامه وزارتی مورخ ۷ - ۳ - ۳۰۷ - بشماره ۴۸۹۴ - ۱۴۴۷۳ - صفحه ۶۳ مجموعه قوانین - سال ۱۳۰۷)

نکته - در مورد صدق امتناع از دین با توجه بجمع مواد ۵۵ - ۶۰ قانون تسریع که مؤخر بر ماده ۷۴۳ قانون اصول محاکمات قدیم و بمنظور تسریع وضع شده است رئیس اجراء رأساً بتقاضای محکوم له، محکوم علیه ممتنع را توقیف مینماید و حاجت بصدور حکم حبس برابر ماده ۷۴۳ قانون مزبور نیست.

۱۹ - (۳) اصل تقدم منقول بر غیر منقول از حیث اجراء احکام -

هرگاه محکوم به عین معین و منقول باشد و اجراء حکم نسبت بآن بجهتی میسر نباشد و لازم شود که از سایر اموال او طلب محکوم له پرداخت شود و محکوم علیه مال منقول و غیر منقول داشته باشد اجراء حکم باید در اموال منقول محکوم علیه بعمل آید زیرا وصول طلب و اجراء حکم در منقول سهل تر است و چون تأخیر اجراء حکم بهیچوجه روانیست بنا براین باید از مال منقول، حق محکوم له داده شود و لااقل این است که وصول حق از منقول، قدر متیقن است و از غیر منقول، محل تردید است مگر در موردی که قانون صریحاً تجویز کرده باشد (مستفاد از روح ماده ۳۱ قانون